

رویکردی به انگیزش اخلاقی در آیات و روایات از منظر روانشناسی اخلاق دینی

جواد غفاری* | بهروز محمدی منفرد** | وحید واحد جوان*** | علی عسگری یزدی****

چکیده

انسان در ذات خودش و به لحاظ فطری انگیزه بر انجام رفتار اخلاقی دارد. اما چرا انسانها در برخی موقعیت‌ها انگیزه بر رفتارهای اخلاقی ندارند؟ و یا حتی انگیزه بر رفتار غیر اخلاقی دارند. و دچار بی‌پروایی و شرارت می‌شوند. همین مسأله در آموزه‌های اخلاقی دین هم وجود دارد. سؤال اصلی مقاله این است که «چرا افراد متدین و یا مدعی دین داری با علم به الزامات اخلاقی دین، انگیزه برای انجام فعل اخلاقی ندارند؟». و یا گاهی برخلاف دستورات اخلاقی دین عمل می‌کنند. بنابراین چه نسبتی بین باورهای دینی معطوف به گزاره‌های اخلاقی و انگیزش اخلاقی وجود دارد؟ از آنجائیکه مفهوم «انگیزش» و نظریه‌های مربوط به آن در «روان‌شناسی» مورد بحث قرار می‌گیرد و مفهوم «انگیزش اخلاقی» در «روان‌شناسی اخلاق» از مباحث مهم و کلیدی است. به همین جهت این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی درصدد تبیین عوامل و موانع «انگیزش اخلاقی» از منظر نویی موسوم به «روان‌شناسی اخلاق دینی» با استناد به برخی آیات و روایات است. حاصل و نتیجه اینکه، عوامل درونی مانند «ضعف اراده»، «ضعف ایمان» و «بی‌تقوایی» و غلبه «امیال و غرایز» و «عدم آگاهی» و غفلت، موانع انگیزش اخلاقی است. همچنین عوامل بیرونی مانند خانواده، نظام تربیتی و آموزشی جامعه، ارتباطات اجتماعی حقیقی و مجازی و رفتارهای حکومت، مؤثر در انگیزش اخلاقی افراد هستند.

کلیدواژه‌ها

انگیزش، انگیزش اخلاقی، روان‌شناسی اخلاق، روان‌شناسی اخلاق دینی.

* دانشجوی دکتری مدرس معارف اسلامی دانشگاه تهران. (j.rahpoo110@gmail.com)

** دانشیار گروه اخلاق دانشگاه تهران. تهران. ایران. (muhammadimunfared@ut.ac.ir)

*** استادیار گروه اخلاق دانشگاه تهران، تهران. ایران. (vahedjavan@ut.ac.ir)

**** استاد دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران. ایران. (asgariyazdi@ut.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴؛ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۳/۱۹)

□ جواد غفاری، بهروز محمدی منفرد، وحید واحد جوان، علی عسگری یزدی (۱۴۰۳). رویکردی به انگیزش اخلاقی در آیات و روایات از منظر روانشناسی اخلاق دینی، فصلنامه اخلاق و حیاتی، ۲ (۳۱)، ۳۹ - ۷۷. | doi: 10.22034/ethics.2024.455192.1969

مقدمه

در روانشناسی، مفهوم «انگیزش» برای بررسی عوامل و فرایندهای مؤثر بر رفتار به کار می رود و سؤال اساسی این است که چه چیزی موجب رفتار و یا عدم رفتار می شود. در روانشناسی انگیزش معمولاً به شش نظریه اشاره می شود. نظریه غریزه، نظریه نیاز، نظریه یادگیری-تقویت، نظریه کشاننده، نظریه رشد و تسلط جویی، نظریه شناختی. (شجاعی، ۱۳۹۷: ج. ۱، ص. ۱۱۳) در این مقاله قصد، بیان تفصیلی نظریه ها نیست. از طرفی مفهوم «انگیزش اخلاقی» از مفاهیم اساسی در مباحث «روان شناسی اخلاق» است. و به این موضوع می پردازد که چرا برخی افراد علیرغم علم و آگاهی به عمل اخلاقی باز هم عمل اخلاقی را انجام نمی دهند؟ بنابراین روانشناسی اخلاق، عوامل و موانع انگیزش اخلاقی را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. (موسوی اصل و دیگران، ۱۳۹۵: ص. ۷) بر همین اساس است که بررسی انگیزش اخلاقی در آیات و روایات را می توان «روان شناسی اخلاق دینی» تعبیر کرد. همین مسأله در آموزه های اخلاقی دین هم وجود دارد. که چرا افراد متدین و یا مدعی دین داری با علم به الزامات اخلاقی دین انگیزه برای انجام فعل اخلاقی ندارند؟ و یا گاهی برخلاف دستورات اخلاقی دین عمل می کنند. بنابراین چه نسبتی بین باورهای دینی معطوف به گزاره های اخلاقی و انگیزش اخلاقی وجود دارد؟ اگر ما یک گزاره اخلاقی داشته باشیم که باور دینی هم تلقی می شود. آیا این به تنهایی موجب انگیزش فرد به سمت رفتار اخلاقی می شود یا خیر؟ با مراجعه به آموزه های وحیانی، آیاتی را مشاهده می کنیم که هم عنوان " باور دینی " و هم " گزاره اخلاقی " بر آنها صدق می کند. به عنوان نمونه در سوره صف، آیات ۲ و ۳ می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ

الله أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» این آیات در عین حال که باوردینی به‌شمار می‌آیند، همچنین می‌توان آنها را گزاره‌هایی اخلاقی نیز تلقی کرد، زیرا خداوند تبارک و تعالی در این آیات از گفتارها و ادعاهایی که متعاقب آن عمل نباشد نهی کرده است. این آیات از این حیث که در قرآن به آنها اشاره شده‌اند، اگر ما به آن آیات باور داشته باشیم، باورهای دینی هستند و از این حیث که معطوف به حوزه اخلاق هستند، باورهای اخلاقی به‌شمار می‌آیند. اکنون مسأله این است که اگر با گزاره‌ای اخلاقی مثل مفاد این آیه شریفه مواجه شویم که باور دینی هم تلقی می‌شود. آیا چنین باور دوجهبی، فرد را به سمت رفتار اخلاقی برمی‌انگیزاند؟ یعنی آیا عنصر دینی بودن یک گزاره اخلاقی تأثیری در انجام خود فعل اخلاقی دارد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، ممکن است تصور شود که موانعی از قبیل "ضعف اراده" یا "اخلاق‌ناپروایی" یا "ضعف ایمان" وجود دارند که مانع هستند فرد مؤمن با وجود برخورداری از یک باور دینی اخلاقی، به سوی انجام رفتار منطبق بر آن باور برانگیخته نشود. وبه همین جهت ضرورت دارد به بررسی و تبیین عوامل و موانع انگیزش اخلاقی در آیات و روایات از منظر روانشناسی اخلاق دینی هم پرداخته شود.

۱. پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع پژوهش بر اساس کلید واژه‌های «انگیزش»، «انگیزش اخلاقی»، «ضعف اخلاقی»، «اخلاق دینی»، «روانشناسی اخلاق» و «روانشناسی اخلاق دینی» در منابع و مدارک علمی موجود، اعم از برخی مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در سایت ایران‌داک و نور مگز و پرتال علوم انسانی و منابع کتابی و غیر مکتوب کتابخانه ملی ایران جستجوی اجمالی صورت گرفت. برخی آثار به انگیزش اخلاقی با توجه به

باورها و آموزه‌های دینی، به ویژه با تأکید بر قرآن پرداخته‌اند. با اختصار به مقایسه و تفاوت برخی از این آثار با پژوهش حاضر اشاره می‌شود.

در مقاله «بررسی تطبیقی ابعاد انگیزش اخلاقی در اندیشه علامه طباطبایی و فینیس؛ رحیم دهقان، ۱۳۹۶» اندیشه دو متفکر را در بعد روان‌شناسی اخلاق بررسی می‌کند و دیدگاه آنها را در رهیافت درون‌گرایانه و برون‌گرایانه و تبیین فرایند ایجاد انگیزه اخلاقی با یکدیگر و نیز عامل اصلی انگیزش متفاوت می‌داند. که یک نوع روانشناسی اخلاق عقلی و فلسفی است؛ هدف مقاله «تدوین الگوی منابع انگیزش اخلاقی در قرآن (بر اساس کتاب تفسیرالمیزان)؛ فاطمه وجدانی، ۱۳۹۵» بررسی و تبیین نظام انگیزش اخلاقی در قرآن کریم و ارائه الگویی بر اساس تفسیر المیزان است. شش منبع انگیزشی برای اخلاق‌ورزی یافته است که «گرایش‌های فطری» انگیزه پایه و مبنایی برای اخلاق‌ورزی است. به لحاظ روش و نتیجه متفاوت از پژوهش حاضر است. مقاله «عوامل شناختی انگیزش اخلاقی قرآن کریم مبتنی بر منبع انگیزش نفی ناهماهنگ شناختی؛ محمدرضا کریمی، محمد کاویانی و حسن بوسلیکی، ۱۳۹۹» به دنبال استخراج عوامل انگیزش اخلاقی در ساحت شناختی، مرتبط با منبع انگیزش درونی «نفی ناهماهنگی شناختی» از منظر قرآن کریم است. شیوه آن کیفی و از نوع تحلیل محتوای متن است. نتیجه می‌گیرد: عوامل انگیزش اخلاقی با گرایش‌های درونی انسان (منابع انگیزش اخلاقی) ارتباط برقرار کرده و بستر لازم برای فرایند عمل را فراهم می‌کنند؛ همچنین رساله دکتری «تبیین ضعف اخلاقی در دو رویکرد افلاطونی و ارسطویی با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم؛ مهدی عزیزاده، ۱۳۹۴» رساله حاضر با رویکرد میان‌رشته‌ای و بینامتنی به یک مسئله مهم و دشوار قدیمی در حوزه اخلاق می‌پردازد.

«ضعف اخلاقی» یا «شکاف نظر و عمل در اخلاق» به این پرسش می‌پردازد که آیا ممکن است انسان عامدانه برخلاف علم و آگاهی خود عمل کند؟ در پاسخ به سؤال فوق، دو تبیین شناختی (افلاطونی) و غیرشناختی (ارسطویی) عرضه شده است. در تبیین شناختی بر عدم امکان شکاف علم و عمل تأکید می‌شود. در تبیین غیرشناختی با اذعان به امکان چنین پدیده‌ای، بر علت تامه نبودن شناخت برای تحقق عمل و نقش عناصر غیرشناختی در کنار دانش و آگاهی تأکید می‌رود. حاصل بررسی در کتاب وحی به این دستاورد نظری ختم می‌شود که نظرگاه قرآن کریم نظریه سومی در ضعف اخلاقی است که دو نظریه افلاطونی و ارسطویی را در کلیتشان نمی‌پذیرد و کنار می‌گذارد و نظریه سومی را مطرح می‌سازد. نظریه‌ای که نه به صورت نقطه‌ای بلکه به صورت طیفی به پدیده ضعف اخلاقی می‌نگرد و با دسته‌بندی انسان‌ها بر اساس سنخ‌شناسی اعتقادی - شخصیتی خاص قرآنی در مورد هر دسته تبیین ویژه‌ای ارائه می‌دهد.

۱-۱. وجه تمایز و تفاوت و نوآوری پژوهش حاضر

در این پژوهش علاوه بر بررسی اجمالی برخی آیات در موضوع انگیزش اخلاقی، مروری هم بر برخی روایات داشته است. نوآوری این مقاله در پرداختن به انگیزش اخلاقی از منظر «روانشناسی اخلاق دینی» بوده است که در بخش مفهوم‌شناسی پژوهش حاضر معنی و مفهوم آن بیشتر تبیین می‌شود. درحالی‌که در آثار پیشین با استفاده از این ساختار نظری وارد بحث نشدند و حتی این مسأله طرح نشده است. هرچند که برخی آثار فقط از بعد روانشناسی اخلاق عقلی و فلسفی مانند مقایسه بین باور و ایمان در انگیزش اخلاقی و یا مقایسه بین نظریه‌های شناختی و غیرشناختی در انگیزش اخلاقی و یا رابطه روانشناختی بین دین و اخلاق و تحلیل درون‌گرایی

و برون گرایی در انگیزش اخلاقی و از این قبیل بوده است. و یا فقط از بعد روانشناسی اخلاق کاربردی به بحث پرداخته اند. مانند ارائه الگویی عملی برای اخلاقی زیستن با الهام از آموزه‌های قرآنی بوده است و در همین راستا طرح برخی مصادیق مثل، قرب الهی، عشق و محبت الهی و یا تقوی الهی و... که از برخی آیات قرآن استفاده می‌شود. با احترام و اذعان به مفید و کاربردی بودن همه این تلاش‌های علمی و فکری پیشین، در این پژوهش از منظر دیگری به عوامل و موانع درونی و بیرونی انگیزش اخلاقی به طور اختصار پرداخته شده است که به صورت تفصیلی قابلیت نظریه پردازی و تدوین کتاب در این موضوع را دارد.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. انگیزش

مفهومی میان رشته‌ای است که به عنوان عامل نیرو دهنده، هدایت کننده و نگهدارنده رفتار تعریف می‌کنند. این واژه در روان‌شناسی، اخلاق، تعلیم و تربیت و... استفاده می‌شود. در روان‌شناسی، نیروی محرکی را می‌گویند که، به رفتار انسان هدف و جهت می‌دهد و غالباً دو قسم است:

۱- انگیزه‌های فیزیولوژیکی اولیه یا جسمی، مانند گرسنگی، تشنگی و نیاز به خواب؛

۲- انگیزه‌های شخصی، اجتماعی یا ثانوی مانند نیاز به پیوندجویی، رقابت، علایق

فردی و اهداف.

همچنین تمایز مهمی بین انگیزش‌های درونی و بیرونی وجود دارد. (واندن بوس، ۱۱۰۰، ص. ۱۳۹۱)

انگیزش، میل و احساس بسیار قوی است که بر اساس آن به سمت یک هدف حرکت

کرده و عمل می‌کنیم. بنا بر این، خروجی و نتیجه انگیزش: «عمل»، «احساس»، «تصمیم»

و «نتیجه» می‌باشد. البته انگیزش دارای «موانع بیرونی» که شامل واقعیت‌های مادی و خواسته‌های افراد، و «موانع درونی» است که شامل باورها، اندیشه‌ها و رفتارهای خاص خود ما می‌شود. (گورمن، ۱۳۸۷: ۳۵-۲۵)

۲-۲. انگیزش اخلاقی

یک نوع قوه و نیروی محرک و برانگیزاننده برای فعل اخلاقی است و در فلسفه اخلاق دو رویکرد مشهور دارد:

۱- درون‌گرایی انگیزش اخلاقی، یعنی باورهای اخلاقی، برای برانگیختن به عمل اخلاقی کافی می‌باشند.

۲- برون‌گرایی انگیزش اخلاقی، یعنی باورهای اخلاقی برای برانگیختن به عمل اخلاقی کافی نمی‌باشند و نیازمند یک منشأ بیرونی است. (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۷۵)

برخی انگیزش اخلاقی را اینگونه تعریف کرده‌اند: «روندی که محرک یا سرچشمه رفتار اخلاقی است». بحث از امکان و ماهیت انگیزش اخلاقی از مسائل مهم در «روانشناسی اخلاق» است. اختلاف بر سر این است که، آیا اندیشه یا باور اخلاقی ضرورتاً انگیزه‌بخش است یا نه؟ در پاسخ به این سؤال، دو دیدگاه درون‌گرایی انگیزشی و برون‌گرایی انگیزشی شکل گرفته است. از حیث محتوا، فیلسوفان، انگیزش اخلاقی را بر حسب نفع شخصی و همدلی توجیه کرده‌اند. (علیا، ۱۳۹۱، ص. ۷۰).

۲-۳. روانشناسی اخلاق

مطالعه ارتباط روانشناسی و اخلاق از دیرباز مورد توجه متفکران و اندیشمندان بوده است. به ویژه از زمانی که فیلسوفان اخلاق در تبیین ملاک و معیار رفتار اخلاقی به تفسیرهای روانشناسانه روی آوردند رشته روانشناسی اخلاق شروع به شکل‌گیری

کرد. هرچند که برخی متفکران آن را شاخه‌ای از روانشناسی می‌دانند که به مسائل روانی مرتبط با اخلاق می‌پردازد اما ریشه آن از فلسفه شروع شده و در زمینه‌های علمی مربوط به فلسفه اخلاق و روانشناسی گسترش و نفوذ یافته است. و با شروع قرن ۲۱ رویکرد بین رشته‌ای «روانشناسی اخلاق» را پیدا کرده است. بحث از «انگیزش اخلاقی» از مباحث بسیار مهم «روانشناسی اخلاق» است. و همچنین بحث از رشد اخلاقی، شخصیت اخلاقی، داوری اخلاقی، استدلال اخلاقی و مباحث دیگری که در حوزه مطالعاتی روان‌شناسی اخلاق قرار دارند. به طور کلی، روانشناسی اخلاق، به رابطه بین عوامل و نیازهای روانی انسان و فرایند اخلاقی زیستن می‌پردازد و همچنین پیش فرضها، نتایج و آثار روانشناختی اخلاقی زیستن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. تعیین معیارها و راهکارهای روانشناختی اخلاقی زیستن دست آورد دیگر روانشناسی اخلاق می‌باشد. (موسوی اصل و دیگران، ۱۳۹۶: ۶-۷) و (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۵۲۱)

۲-۴. روانشناسی اخلاق دینی

با توجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته در آثار مربوط به روانشناسی اخلاق نکته مهمی که در این بحث وجود دارد، این است که «روان‌شناسی اخلاق» با روش عقلی و فلسفی و یا تجربی و کاربردی در دایره مباحث علوم انسانی تجربی اعم از روانشناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت می‌تواند قابل مطالعه باشد. (موسوی اصل و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳ و ۱۲۰) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روانشناسی اخلاق از سه دیدگاه قابل مطالعه و تقسیم می‌باشد. نخست «روانشناسی اخلاق عقلی و فلسفی» بحث از «شکاف میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی»، مهم‌ترین مسأله در

روانشناسی اخلاق عقلی و فلسفی است هرچند که موضوعات و مسایل دیگری هم در روانشناسی اخلاق مطرح است مانند: پرداختن به مسائل مربوط به شناخت نفس و ارتباط آن با بدن و قوای نفس و فعل ارادی و غیر ارادی در انسان و نقش عادات در اخلاق و معنی سعادت در زندگی انسان و راه‌های کسب فضایل اخلاقی و فضایل عقلانی و رسیدن به حد اعتدال و به تعبیری حد وسط در اخلاق را می‌توان از زمینه‌های روانشناسی اخلاق عقلی و فلسفی دانست. (سیدقریشی، ۱۳۹۴)

دوم «روانشناسی اخلاق تجربی و کاربردی» استفاده از راه حل‌های روانشناسانه در حل معضلات اخلاقی در موضوعات و مسایل اخلاق کاربردی را می‌توان روانشناسی اخلاق کاربردی و تجربی تلقی کرد. اخلاق کاربردی، در نظر فیلسوفان اخلاق به مسائل و اموری مربوط می‌شود که کانون بحران‌ها و معضلات عملی اخلاق می‌باشد. شناسایی و تشخیص رفتار درست از نادرست در بسیاری از حوزه‌های عملی رفتار اخلاقی، پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی دارد که موجب معضلات اخلاقی می‌شود (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۴۵ و ۷۳) و از همین روی بسترها و زمینه‌های روانشناختی افراد در برخورد با این معضلات و پیدا کردن راه حل‌هایی برای رهایی از آنها بسیار متفاوت و مختلف خواهد بود. و این مسأله می‌تواند موضوع روانشناسی اخلاق کاربردی قرار گیرد.

سوم «روانشناسی اخلاق دینی» مفهوم میان رشته‌ای است که با الهام از پیش فرض‌ها، موضوعات و مسایل «روانشناسی اخلاق» به بررسی و تحلیل روانشناختی مفاهیم ارزشی و اخلاقی که در دین توصیه و تاکید شده می‌پردازد. در آثار معاصر دانشی تحت عنوان «روانشناسی اسلامی» هم مصطلح شده است که بی ارتباط با «روانشناسی اخلاق دینی» نیست. و شاید بتوان گفت رابطه اعم و اخص بین آنها برقرار است. بنابراین، تحلیل

روانشناختی مفاهیم ارزشی و اخلاقی دین را که خارج از دایره عقاید و احکام است، می‌توان «روانشناسی اخلاق دینی» نامید. (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵، ص. ۷-۹) و (خدایاری فردودیگران، ۱۴۰۰، ص. ۹-۱۱)

۳. گستره مفهوم انگیزش در آیات و روایات

در ابتدای این بحث ضروری است به این نکته توجه بشود که اولاً، مفهوم روانشناختی انگیزش و مفاهیم مرتبط با آن مانند: سائق، غریزه، نیاز و... به طور مستقیم در متن آیات و روایات قابل جستجو نیست. وثانیاً، به طور اجمالی می‌دانیم که به موضوع انگیزش در آیات و روایات، در قالب مفاهیم مؤثر بر رفتار پرداخته شده است. هرچند که برخی ارتباط نزدیکتری دارند و برخی هم به طور اشاره و کنایه مرتبط هستند. در آیات و روایات، مفاهیمی وجود دارد که با مفهوم انگیزش در روانشناسی ارتباط معنایی می‌تواند داشته باشد. مانند: مفهوم «اراده، نیت و شوق» و مفاهیمی هم وجود دارند که پیش زمینه ایجاد انگیزش و انگیزه در انسان می‌تواند باشد. مانند: مفهوم «غرایز، امیال، شهوات و نیازها» و مفهومی هم وجود دارد که نقش کنترل و بازدارندگی نسبت به رفتارهایی دارد که غرایز و امیال و شهوات موجب آن می‌شوند و آن نیروی انگیزشی «عقل» می‌باشد. (شجاعی، ۱۳۹۷، ج. ۱، ص. ۱۱۴)

شکی نیست که عوامل و موانع انگیزشی رفتار یا به درون انسان برمی‌گردد که عبارت است از «مبادی شناختی و ادراکی» و «مبادی درونی امیال و غرایز» و یا به جاذبه‌ها و مشوق‌های بیرونی و محیطی انسان برمی‌گردد که مبادی مختلفی دارد و شامل: «محیط خانواده»، «محیط آموزشی و فرهنگی»، «ساختار نظام سیاسی»، «ساختار ارتباطی و فرهنگی نظام جهانی و... می‌شود. دونکته در اینجا حایز اهمیت است که لازم است به آنها اشاره

شود. اول اینکه، این مفاهیم به طور مستقیم در آیات و روایات ذکر نشده بلکه بایستی مفهوم یابی و استنباطی اشاره شود. و دوم اینکه گستره آیات و روایات بسیار زیاد است و در فرصت این مقاله به طور نمونه والگو به برخی آیات و روایات اشاره می شود.

۴. عوامل و موانع درونی انگیزش اخلاقی در آیات و روایات

۴-۱. نقش انگیزش اخلاقی علم و آگاهی

دعوت به شناخت و علم و تفکر و تعقل، در کثیری از آیات و به تبع آن در روایات معصومین علیهم السلام امری کاملاً آشکار و مبرهن می باشد. انسان به لحاظ فطری و ذاتی، عمل بدون اندیشه و تامل را نامطلوب و غیر اخلاقی می پندارد. و بر همین اساس است که در آموزه های وحیانی، عمل بدون فکر و اندیشه غیر اخلاقی تلقی شده است؛ بنابراین در نقش ذاتی انگیزش اخلاقی علم و دانش بدون وجود موانع درونی و بیرونی هیچ شکی نیست و آموزه قرآنی هم بر این مسأله تاکید دارد. و توصیه اخلاقی هم به پیروی از علم می کند:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»؛ و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد» (اسراء، ۳۶).

بنابراین پیروی کردن از مسیر غیر علم موجب این می شود که در برابر سؤال دیگران از توضیح و پاسخ درمانده بشوی و این خود موجب فشار روحی و روانی می شود. به علاوه آنکه مسیر نادرستی را هم در زندگی طی کنی. و آسیبهای آن را متحمل بشوی. نکته مهم روانشناختی موضوع این است که خداوند می داند که انسان به لحاظ ساختار درونی و فطری به این موضوع اشراف دارد که اگر به اقتضای علم عمل نکند دچار گمراهی و سردرگمی خواهد شد ولی چرا برخی افراد علیرغم این باز هم مسیر جهل را

بر علم ترجیح می‌دهند. بنابر همین اساس، کلام الهی می‌خواهد انگیزش برای پیروی از علم را فراهم بیاورد. در مفاد برخی آیات جهل در برابر علم است و در برخی دیگر پیروی از ظن و گمان ناپایدار و متزلزل در برابر علم است و در مواردی هم سهل انگاری و متوهم بودن مخاطب است که در برابر علم قرار می‌گیرد. البته غفلت به یک موضوع هم موجب برخورد غیر علمی با آن می‌شود؛ که به برخی اشاره می‌شود:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛ و برخی از مردم در باره خدا بدون هیچ علمی مجادله می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نمایند». (حج، ۳)

اگر بدون دانش و آگاهی وارد کارزار بحث و استدلال بشوید مسلم است که در دامن گمراهی و جهل می‌افتید و هیچ راه‌گزینی هم نیست. در جدال فکری دو جهت مثبت و منفی وجود دارد و بستگی دارد شما چه شیوه‌ای را اتخاذ کنید و بنا بر فرمایش قرآن لازمه جدال فکری احسن داشتن علم و آگاهی در موضوع مورد مناقشه است.

«وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و حق را به باطل درنیامیزید، و حقیقت را- با آنکه خود می‌دانید- کتمان نکنید». (بقره: ۴۲)

گاهی انسان علم و آگاهی به یک موضوعی دارد ولی به جهت حب و بغض‌ها و هواهای نفسانی آن حقیقت را می‌پوشاند و اقرار و اعتراف به درستی آن نمی‌کند و به تعبیر قرآن لباس باطل بر حق می‌پوشاند و همین موجب سقوط اخلاقی می‌شود.

«وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُورًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ؛ و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند. پس ببین فرجام فسادگران چگونه بود» (نمل، ۱۴)

به لحاظ روانی کسانی که به دنبال بزرگی طلبی و فخر فروشی هستند در مقابل مطلب

حق عناد و لجاجت می‌ورزند و از قبول آن خودداری می‌کنند و همین امر هم موجب سقوط اخلاقی آن‌ها می‌گردد.

مفاد روایات هم مانند آیات شریفه قرآن دلالت بر این دارند که علم و دانش سوق دهنده و برانگیزاننده برای رفتار اخلاقی می‌باشد. و عمل بدون معرفت را یک نوع رفتار غیر اخلاقی تلقی کرده‌اند. و لذا با ذکر مصادیقی از این روایات به تحلیل روانشناختی و انگیزشی آن‌ها در رفتار اخلاقی اشاره می‌شود:

قال رسول الله ﷺ: **الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ** (مجلسی، ۱۴۰۴، ج. ۷۴، ص. ۱۷۷، باب ۷)

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: دانایی، سر همه خوبیهاست و نادانی سر همه بدیهاست با توجه به اینکه آگاهی و دانش بالذات فضیلت و نیکی است و موجب ایجاد رفتارهای نیک و پسندیده می‌شود. و در مقابل جهل و نادانی رذیلت و شر است و موجب رفتارهای غیرانسانی و اخلاقی می‌شود. همچنانکه به لحاظ روانشناختی فرد عالم دارای آرامش و اطمینان نفس بوده و در معرض حوادث زندگی کمتر دچار تزلزل و افسردگی می‌شود. چون آشنایی با آسیبها و مشکلات مسیر زندگی دارد و از همین روی آمادگی مواجهه مناسب با آنها را هم دارد. و لذا حضرت فرموده رأس همه نیکی‌هاست.

و قَالَ عَلِيٌّ ؑ: **الْعِلْمُ قَائِدٌ وَالْعَمَلُ سَائِقٌ وَالنَّفْسُ حَزُونٌ** (مجلسی، ۱۴۰۴، ج. ۷۵، ص. ۴۵، باب ۱۶)

امام علی ؑ می‌فرماید: علم و دانش رهبری می‌کند و عمل کشاننده است و نفس سرکشی می‌کند.

بنابر این علم و آگاهی پایه و اساس استحکام بخش به رفتار و عمل انسانی است و لذا

تعبیر به رهبری فرمودند. اگر رهبری درست باشد ایجاد انگیزه و تشویق به عمل صحیح می‌کند و همچنانکه اگر رهبری یک پدیده‌ای درست نباشد کل ارکان آن امر از هم گسسته می‌شود و به سقوط و شکست می‌انجامد اگر نقش رهبری علم را در رفتار و عمل نداشته باشیم بطور قطع آن رفتار زمینه تبدیل شدن به رفتار غیر انسانی و اخلاقی دارد.

وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَسْخَعُ بِهِ (نهج البلاغه،

حکمت ۲۰۵)

امام علی علیه السلام می‌فرماید: هر ظرفی با گذاشتن چیزی در آن گنجایش کم می‌شود مگر ظرف علم و دانش که با افزودن آن گنجایش بیشتر می‌شود.

علم و دانش این ویژگی را دارد که ظرفیت ذاتی و درونی آن با هر بار آموختن گسترش می‌یابد و لذا حضرت تعبیر به ظرفی کرده که گنجایش آن محدود نیست و همین خصوصیت باعث می‌شود ظرفیت روحی انسان عالم هم وسعت پیدا می‌کند و به سادگی در مقابل حوادث و پدیده‌های متفاوت زندگی منفعل و احساساتی نمی‌شود زیرا بسیاری از رفتارهای غیر اخلاقی انسان ریشه در انفعال و کم ظرفیتی روحی افراد دارد. و به همین جهت است در نگاه عرفی هم همه افراد از انسان عالم توقع صبر و مدارا و موضع‌گیری دور اندیشانه دارند. و رفتار شتابزده و عجولانه را ناشی از جهل و عدم تجربه می‌دانند.

بنابراین علم محور اساسی درک و فهم و شناخت انسان است و بسیاری از رفتارهای اخلاقی انسان ریشه در میزان آگاهی و شناخت او دارد و کاملاً روشن و واضح است که «عقل» به عنوان یکی از قوای درونی انسان کنترل و تنظیم این فرایند را به عهده دارد و باز هم در بسیاری از آیات و روایات به این نقش اشاره شده که علم و معرفت موجب بالا رفتن توانمندی قدرت تفکر و تعقل انسان می‌شود و به تبع آن هم برای انگیزش رفتارهای

اخلاقی زمینه ایجاد می‌کند و هم در ایجاد تداوم و ثبات این رفتارها نقش مهمی دارد.

۴-۲. نقش انگیزش اخلاقی ایمان

باتوجه به اینکه شخصیت انسان را سه بعد اساسی شکل می‌دهد، بعد شناخت و آگاهی، بعد احساسات و عواطف و بعد عمل و رفتار. ایمان این ویژگی را دارد که با هر سه بعد شخصیتی انسان ارتباط دارد. بدین معنی که شناخت و آگاهی در درون انسان مستحکم و یقینی شده و احساسات و عواطف را هم تحت تاثیر و کنترل خودش دریاورد و در عمل و رفتار او هم ظاهر و آشکار شود. با این خصوصیات می‌توان گفت ایمان در وجود او نفوذ کرده است. و یا به تعبیر قرآن کریم ایمان در قلب او حک شده است (سوره مجادله/۲۲) و همچنین حضرت علی علیه السلام در خطبه (۱۷۹) در جواب ذعلب یمانی می‌فرماید: «... لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعَيْنِ وَ لَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» در اغلب آیات و روایات هر کجا صحبت از «ایمان» است آن را به قلب نسبت داده است. و بقدری پرتکرار است که نیاز به استناد تفصیلی در این جهت نیست. همان نقشی را که برای علم ترسیم کردیم در مورد «ایمان» هم در جایگاه خودش جاری است. در روانشناسی اخلاق دینی شناخت و ادراک، احساسات و عواطف و اعمال و رفتار انسان تحت تاثیر ایمان است. و کمیت و کیفیت آن موجب ایجاد درجات مختلف و متفاوت انگیزش اخلاقی می‌شود. لازمه اطاعت صادقانه از دستورات اخلاقی دین ایمان است زیرا چه بسا ممکن است عده‌ای به ظاهر بگویند ما مسلمان هستیم اما به لوازم رفتاری و اخلاقی دین ملتزم نباشند و انگیزشی هم در آنها ایجاد نشود. ولذا آیه شریفه ایمان را نقطه اساسی برای آراسته شدن به فضایل اخلاقی در سایه اطاعت از خدای متعال و رسول گرامی می‌داند:

«قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِنَّ تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ [برخی از] بادیه‌نشینان عرب گفتند: «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم.» و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است؛ و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [ارزشی] کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند. خدا آمرزنده مهربان است.» (حجرات، ۱۴)

مفاد اکثر آیات و روایات حاکی از جایگاه ایمان در قلب انسان دارد. بنابراین قلب در وجود انسان ظرف تمامی شناخت‌ها و احساسات و عواطف است که به واسطه ایمان در اعمال و رفتار او ظهور و بروز پیدا می‌کند و موجب انگیزش اخلاقی می‌شود. در آیه شریفه ذیل اگر توجه کنیم همه این عناصر و مفاهیم وجود دارد. تداوم ذکر الهی موجب خشوع قلب مؤمنان می‌شود و هرچقدر آیات الهی برای آنان خوانده می‌شود موجب افزایش ایمان و انگیزش اخلاقی برای ایجاد توکل در رفتار آنها می‌شود.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَاناً وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.» (الأنفال: ۲)

به‌طور کلی شاکله و شخصیت انسان حاصل تمامی شناخت‌ها، هیجانات، احساسات اوست که ریشه در درون و روان او دارد. ولذا داشتن صفت و ویژگی ایمان، خانه درون انسان را امن قرار می‌دهد و آرامش درون محصول این امنیت می‌شود و موجب می‌شود در مقابل همه حوادث و تحولات زندگی با اعتماد به نفس و استحکام درونی برخورد شود و متزلزل نگردد و اراده و عزمی محکم در رفتارهای خود داشته باشد. و باوقایع دشوار و آسیب‌زننده زندگی مدبرانه و عاقلانه برخورد کند. آیه شریفه ذیل با توجه به مفاد آیه قبل، حاکی

از آرامش درونی کسانی است که علم و ایمان به آموزه‌های کتاب الهی در برپایی روز رستاخیز دارند با حوادث روز قیامت دچار ترس و دلهره و غافلگیری نمی‌شوند بر خلاف کسانی که این علم و ایمان را نداشتند و بر اساس گمان جاهلانه خودشان رفتار می‌کردند. «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ و [لی] کسانی که دانش و ایمان یافته‌اند، می‌گویند: «قطعاً شما [به موجب آنچه] در کتاب خدا [ست] تا روز رستاخیز مانده‌اید، و این، روز رستاخیز است ولی شما خودتان نمی‌دانستید.» (الروم: ۵۶)

در روایات، نقش انگیزشی ایمان به لحاظ ماهیت و حقیقت و آثار و زمینه‌های آن از چند جهت بررسی شده و بسیار گسترده می‌باشد و به برخی زمینه‌ها به جهت رعایت اختصار اشاره می‌شود:

مفاد روایات حاکی از آن است که ایمان واقعی باید انگیزش برای عمل ایجاد کند و الا ایمان حقیقی نیست و یا دچار ضعف ایمان است و لذا در روایات مرز بین اسلام و ایمان را هم ترسیم کرده است. برخی جوامع و اشخاص خود را منسوب به اسلام می‌دانند ولی به مقتضای ایمان عمل نمی‌کنند و ملاک و معیارهای تعریف و تبیین شده برای ایمان را رعایت نمی‌کنند؛ و فقط ظاهری برای خود فراهم کرده‌اند.

در روایت رسول خدا ﷺ می‌فرماید: **الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ** (مجلسی، ۱۴۰۴، ج. ۶۶، ص. ۶۴، باب ۳۰)

ایمان شناخت قلبی و اقرار زبانی و عمل به وسیله جوارح است.

ایمان افراد، دارای مراتب و درجات می‌باشد. به هر میزان درجه ایمان بالاتر باشد، انگیزش اخلاقی فرد برای انجام رفتارهای اخلاقی متناسب با آموزه‌های اخلاقی دین

بیشتر است و در روایت زیر پیامبر ﷺ نشانه‌های درجات ایمان را می‌فرماید.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: افضل الايمان الصبر والسماحة. (متقی، ۱۴۱۹، ح ۷۴)
برترین ایمان، شکیبایی و بخشندگی است.

در روایات، به معرفی شخصیت انسان مؤمن که ملکه و صفت ایمان در او پایدار و محکم شده می‌پردازد و جلوه بیرونی رفتار او را به تصویر می‌کشد.

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: المؤمن.... نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ (کلینی، ۱۳۶۵، ج. ۲، ص. ۲۳۱ باب المؤمن و علاماته و صفاته)

مؤمن کسی است که نفسش از او در رنج است و مردم از او در آسایش هستند.

در آموزه‌های اخلاقی دین سعی بر این است که چهره و شخصیت یک انسان مؤمن را به طور واقعی ترسیم کنند و جای هیچگونه ابهام و تردیدی باقی نماند. در تعلیم و تربیت معرفی نمونه الگوهای عملی برای ایجاد انگیزش اخلاقی در مخاطبان خودش امری ستوده و مناسب می‌باشد. ولذا در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

سِنَّةٌ لَا تَكُونُ فِي مُؤْمِنٍ قِيلَ وَ مَا هِيَ قَالَ الْعُسْرُ وَ النَّكْدُ وَ اللَّجَاجَةُ وَ الْكُذِبُ وَ الْحَسَدُ وَ الْبُغْيُ
و..... (مجلسی، ۱۴۰۴، ج. ۶۴، ص. ۳۰۱-۱۴-علامات المؤمن و صفاته)؛ شش چیز در مؤمن نمی‌باشد: تنگنایی، تیره روزی، (بی‌خیری)، حسادت، لجبازی، دروغ و تجاوز.

و همچنان که در روایت دیگری با تاکید بر این مطلب امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ قُلْتُ وَ مَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقَلْبِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ الْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج. ۶۴، ص. ۲۹۳-۱۴-علامات المؤمن و صفاته) نشانه‌های مؤمن پنج چیز است:

پارسایی در خلوت، صدقه دادن در تنگدستی، شکیبایی در برابر مصیبت، بردباری هنگام خشم، و راستگویی با وجود بیم و ترس.

بنابراین مفهوم «ایمان» پایه و اساس در مباحث روانشناسی اخلاق دینی است برخی از نویسندگان در مطالعه روانشناختی ایمان به سه بعد اشاره کرده اند: یکی بعد «ترس و یا بیم از خدا» و بعد دوم «نیاز و یا امید به خدا» و بعد سوم «محبت به خدا» می باشد و در مقابل و ضد مفهوم ایمان به سه حالت روحی و روانشناختی انسان اشاره شده که عبارت است از «یأس و ناامیدی از رحمت خدا» و دوم «تجری و نافرمانی نسبت به دستورات الهی» و سوم «عداوت و دشمنی نسبت به خدا» بنا بر این می توان نتیجه گرفت ایمان در افراد دارای مراتب و درجات گوناگون و متفاوتی است و همچنین از مفاهیم پیچیده ای است که با لایه های درونی انسان سروکار دارد که خود مقوله شگفت انگیز و دست نیافتنی است و در نهایت به تجربیات فردی هر شخصی بستگی دارد که چگونه در رفتار او ظهور و بروز پیدا می کند. (مظاهری و پسندیده، ۱۳۸۹)

۳-۴. نقش انگیزش اخلاقی امیال و غرایز

از آنجائیکه انسان ترکیبی از جسم و روح، ظاهر و باطن می باشد. منشأ انگیزش های رفتاری انسان هم به کارکرد این دو بعد مربوط می شود. و نتیجه تعامل و تعادل این دو جنبه وجودی انسان می باشند. به عبارتی دیگری می توان گفت تمام نیازهای انسان ریشه در کارکرد این دو بعد دارند. اگر بخواهیم دقیقتر نگاه کنیم امیال و غرایز حاصل ترکیب جسم و روح انسان هستند. نه جسم به تنهایی دارای میل و غریزه است و نه روح در تجرد خودش میل و غریزه دارد. همچنانکه کل جهان ماده حاصل ترکیب عناصر موجود در آن است و بشر با علوم تجربی خواص و آثار این ترکیب را کشف و تحلیل و بررسی می کند. انسان هم به عنوان موجودی در این عالم ماده حاصل ترکیب جسم و روح است. و خواص و ویژگی های خودش را دارد. منتهی این ترکیب

منحصر به فرد فقط در مورد انسان معنی پیدا می کند و لذا اشرف مخلوقات است چون آن روح الهی است که در او دمیده شده و هیچ موجودی در این عالم غیر از انسان روح الهی در او دمیده نشده است. به این ترکیب در فلسفه، اخلاق و آموزه‌های و حیانی «نفس» گفته می شود البته هر کدام از این آموزه ها با دیدگاه خود نفس را تعریف و تحلیل می کنند. و شاید بتوان گفت نقش انگیزشی رفتار انسان به عهده نفس می باشد. (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵)

بنابراین در برخی آیات و روایات، نفس (با قطع نظر از معانی دیگری که دارد و در اینجا مورد بحث نیست) به معنی جاذبه ها و کشش‌های درونی انسان اشاره دارد. و دربرگیرنده تمام عواطف و احساسات، غرایز، امیال و نیازها و انگیزه‌های انسان است که روی رفتارهای ظاهری و باطنی انسان تاثیر می گذارند. و در قرآن کریم نیروی انگیزشی مثبت و منفی به نفس نسبت داده شده است:

«وَ النَّفْسِ وَ مَا سَوَّاهَا ﴿۱﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا ﴿۲﴾؛ سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد؛ سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد» (سوره شمس، ۷ و ۸)

بنابراین نفس بیانگر جنبه اخلاقی و غیر اخلاقی وجود انسان می باشد. و لذا در آیات به سه جنبه و مرتبه نفس اشاره شده است:

۱- نفس اماره و سوق دهنده به بدیها: «وَ مَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و من نفس خود را تبرئه نمی کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است.» (یوسف، ۵۳)

اشاره به نقش انگیزشی غیر عقلانی نفس دارد که موجب انحرافات و رفتارهای غیر اخلاقی می شود.

۲- نفس لوامه و سرزنش گر: «وَلَا أُفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَامَةِ؛ و [باز] نه! سوگند به نفس سرزنشگر!» (سوره قیامت، ۲) (آن جنبه از نفس که هشدار می دهد که انسان دچار ناهنجاری ها نشود و اگر دچار شد عبرت بگیرد و خود را نجات دهد)

۳- نفس مطمئنه و آرام به قرب الهی: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَ ادْخُلِي جَنَّتِي؛ ای نفس مطمئنه، خوشنود و خدایپسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من درآی، و در بهشت من داخل شو.» (سوره فجر، ۲۷-۳۰)

اشاره به نفس اولیای الهی است که به جهت قرب الهی و لنگر محبت او در تلاطم و توفان های زندگی نمی لغزند و دچار رفتارهای ناهنجار و خلاف اخلاق نمی شوند و در درگاه الهی جایگاه ویژه و رفیعی دارند و در سایه محبت الهی در زندگی دنیا و آخرت سعادت مند هستند.

در روایات اغلب به جنبه های غیر اخلاقی نفس اشاره شده است و توصیه و تاکید فراوان بر کنترل این نفس لجام گسیخته است. ولذا پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنَّتَيْكَ؛ بالاترین دشمن تو کشش ها و هواهای نفسانی توست. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۷/۶۴-۴۵- مراتب النفس و عدم الاعتماد) در روایات به حسابرسی و کنترل نفس بسیار سفارش شده است در همین ارتباط پیامبر اعظم ﷺ می فرماید:

فِي وَصِيَّةِ أَبِي ذَرٍّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ ص عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيمَا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ؛ در وصیتی به ابوذر می فرماید: انسان عاقل ساعتی را برای مناجات با خدا قرار می دهد. ساعتی را برای

محاسبه نفسش در نظر می گیرد و در ساعتی هم در خلقت الهی و آثار آن به تفکر می پردازد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۷/۶۵)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ لَمْ يَتَعَاهَدِ النَّفْصَ مِنْ نَفْسِهِ غَلَبَ عَلَيْهِ الْهَوَىٰ وَ مَنْ كَانَ فِي نَفْصِهَا لَمْ يَمُوتْ خَيْرٌ لَهُ؛ حضرت علی عليه السلام می فرماید: کسی که به نقایص نفس خودش اهمیت ندهد، هوا و کشش های نفسانی بر او غلبه می کند. و در این صورت مرگ برای آن شخص شایسته است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ص. ۶۴-۶۷)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَلَا فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا فَإِنَّ فِي الْبِقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلُّ مَوْقِفٍ مَقَامٌ أَلْفِ سَنَةٍ...؛ امام صادق عليه السلام می فرماید: آگاه باشید که نفس خود محاسبه کنید تا قبل از آنکه در قیامت محاسبه کنند. در قیامت پنجاه موقف برای محاسبه است که هر کدام هزار سال طول می کشد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ص. ۶۴-۶۷)

با توجه به مفاد برخی آیات و روایات تمام امیال و غرایز و شهوات به نفس نسبت داده شده است. و الهام خوبی و بدی به نفس، نشان از نقش انگیزشی آن برای ایجاد عوامل و موانع انجام افعال اخلاقی و غیر اخلاقی دارد. بنابراین در روانشناسی اخلاق دینی باید کشش ها و جاذبه های نفس انسانی به خوبی شناخته و تحلیل بشود تا اسیر خدعه ها و نیرنگ های نفس اماره نشویم. و لذا قرآن کریم در سوره شمس می فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا». (شمس، ۹-۱۰)

اگر اسیر کشش ها و جاذبه های این نفس نشدید و آن را از پلیدیها پاک کردید رستگار می شوید به عبارتی انگیزه شما در رفتن به طرف خوبی ها دوچندان می شود. و اگر در دام شیطنتها و جاذبه های نفس افتادید، سقوط شما به دامن بی اخلاقی ها حتمی است. این حالت همان نقش انگیزش اخلاقی نفس است که عوامل و موانع آن در امیال و غرایز انسان نهفته است.

۵. عوامل وموانع بیرونی انگیزش اخلاقی در آیات و روایات

عوامل وموانع بیرونی ومحیطی انگیزش اخلاقی از خانواده شروع می شود وتا سطح روابط ومناسبات آموزشی، اجتماعی، فرهنگی وحکومتی جامعه گسترش می یابد. وهمانگونه که از منظر آیات وروایات بررسی خواهد شد عوامل بیرونی زمینه وبسترهای مناسبی را برای بروز رفتارهای اخلاقی وغیر اخلاقی می توانند فراهم کنند.

۵-۱. نقش انگیزش اخلاقی خانواده

درآموزه های دینی به نقش خانواده در منش وشخصیت فرد بسیار توجه وتاکید شده است وشاید بتوان گفت از مهمترین عوامل تاثیر گذاردر رفتارهای اخلاقی انسان خانواده می باشد.ولذا در قرآن کریم این توجه داده شده که تحت تاثیر خانواده به طرف باطل سوق پیدا نکنید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند [آنان را] به دوستی مگیرید، و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمکارانند. (سوره توبه، ۲۳)

انسان به لحاظ عاطفی واحساسی تحت تاثیر خانواده، خویشان وبستگان خود قرار دارد وچه بسا به جهت دلبستگی آن ها دچار سقوط وانحراف شده وممکن است رفتار غیر اخلاقی هم داشته باشد؛ بنابراین یکی از عواملی که می تواند بر روی انگیزش اخلاقی افراد تاثیر گذار باشد. روابط ومناسبات قومی، قبیله ای وخانوادگی است. در واقع در آیه شریفه قرآن این حالت روحی وروانشناختی انسان را به چالش می کشد وبه او هشدار می دهد که، دارای چنین زمینه وکشش روانی هست ودر شرایط خاصی مراقب باشد که

این حالت بر او غلبه نکند و او را از مسیر حق خارج کند.

در بیان روایات، علاوه بر اینکه افراد به تشکیل خانواده بسیار ترغیب و تشویق شده اند؛ و همچنین به ملاک ها و معیارانتخاب همسرهم تاکید و سفارش فراوان شده است و این ملاک دائم تکرار شده است که فردی را برای همسری اختیار کنید که درباورهای اعتقادی و ایمانی باشما هم دل و همراه باشد. و در غیر اینصورت شما را به هلاکت و سقوط می کشاند. و مرتکب رفتارهای نابهنجار و غیر اخلاقی می شوید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنْكُحُوا الْأَكْفَاءَ وَانْكُحُوا فِيهِمْ وَاخْتَارُوا لِتُطْفِكُمْ؛

پیامبر ﷺ فرمودند: با هم ردیفان و هم کفو تان ازدواج کنید که موجب نسل پاک برای

شما خواهد شد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج. ۵، ص. ۳۳۲).

وَ قَالَ ﷺ: الْعُقُوقُ يَعْقَبُ الْقِلَّةَ وَ يُوَدِّي إِلَى الدَّلَّةِ؛ امام هادی ﷺ: نافرمانی والدین، موجب

تنگدستی می شود و به ذلت می کشاند. (مستدرک الوسائل، ص. ۱۵، ۷۵، ۱۹۵، باب

تحريم العقوق و حد ذلك...)

۵-۲. نقش انگیزش اخلاقی محیط آموزشی و اجتماعی

قرآن روش تعلیم و تربیتی خاص خود را دارد. به ملاک ها و معیارهای کلی تربیت

اشاره کرده است و جزئیات مسأله آموزش و تربیت، اغلب در روایات معصومین ﷺ

بیان شده است. مهم ترین و مشهورترین آیه قرآنی که به نظام آموزشی قرآن در جهت

تعلیم و تربیت انسان ها اشاره می کند:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ

الْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای

از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت

بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.» (جمعه، ۲)

بنابر بیان آیه، برای ایجاد تأثیر تعلیم و تربیت بر رفتار و انگیزش اخلاقی متعلمان، باید ابتدا آنها را تزکیه و تهذیب نفس کرد یعنی از رسوب‌های روحی، فکری و عملی قبلی پالایش کرد و بعد از آن در معرض آموزش قرار گیرند شاید برخی گمان کنند مقصود از تزکیه فقط در مورد ناملایمات اخلاقی و رفتاری است در حالیکه باورها و اعتقادات نادرست و انحرافی قبلی متعلم، مانع بسیار بزرگتری در مسیر آموزش می‌باشد و لذا می‌توان گفت مقصود این است که در امر آموزش، ابتدا باید پیش زمینه‌های ذهنی غلط مخاطب را پاک کرد پس آنگاه مطالب نو و مؤثر به او آموزش داد.

بنابر مفاد روایات، آموزش مناسب در همه ارکان زندگی تأثیر گذار است. موجب تربیت انسانی می‌شود که عمل او با علمش تطبیق می‌کند و جاهلان جامعه را برای علم آموزی ترغیب می‌کند. در روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همین نکته را گوشزد می‌فرماید که اگر جامعه ای نتواند انسان‌های عالم تربیت کند فساد اخلاقی آن جامعه را فرا می‌گیرد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يَفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ؛

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بدون شناخت عمل می‌کند، خراب کردنش بیشتر از درست کردن اوست. (کلینی، ۱۳۶۵، ج. ۱، ص. ۴۴)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: قِوَامُ الدِّينِ بِأَرْبَعَةٍ بِعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ وَ بَعْنِي لَا يَبْخُلُ بِفَضْلِهِ عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ وَ بَفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ وَ بِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ؛

امام علی عليه السلام: استحکام و قوام دین به چهار چیز می‌باشد: به عالمی که (غیر از تعلیم) به علمش عمل کند و..... به جاهلی که (در راه آموزش و آگاهی خودش) در طلب علم

تکبر نداشته باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج. ۲، ص. ۶۷)

البته باید خاطر نشان کرد که گاهی تأثیر آموزش و نهادهای آموزشی به مرور زمان جایگزین تأثیر خانواده بر افراد می شود؛ و به هر میزان آموزش های عمومی جامعه مناسب با روانشناختی مخاطب و اوضاع و احوال و شرایط زمانه باشد به همان نسبت در رشد و تحولات فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه مؤثر است. به علاوه اینکه شرایط روحی و اخلاقی استاد و معلم هم از زمینه های بسیار مهم تأثیرگذار بر مخاطب و متعلم است. آموزگار و مبلغ و مروج، باید دارای اخلاقی انسانی، مهذب و عامل به حرف های خودش باشد. نظیر همین را می توان در فضای آموزشی هم سرايت داد که بایستی دارای محیطی آرام و با رعایت احترام و حقوق متقابل افراد باشد و بالاتر اینکه خود متصدیان حکومت باید عاری از هرگونه فساد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی باشند تا محیط های آموزشی آن ها تأثیرگذار بر متعلمین جامعه باشند. و بنابر تمثیل مشهور است که «سخنی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند» و «رطب خورده کی منع رطب کند».

یکی از زمینه های تأثیر گذاری روابط و مناسبات اجتماعی، دوستی ها و رفاقت هایی است که اغلب در میان قشر جوان شکل می گیرد. مفاد برخی آیات و روایات به طور مستقیم و غیر مستقیم بر این مطلب گواهی دارد:

«و یَوْمَ یَعْزُ الظَّالِمُ عَلٰی یدیه یَقُولُ یَا لَیْتَنی اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبیلاً * یَا وَیَلٰتِی لَیْتَنی لَم اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِیلاً * لَقَدْ اَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ اِذْ جَاءَنی وَ کَانَ الشَّیْطَانُ لِلْاِنْسَانِ خَدُوْلًا؛ و روزی است که ستمکار دستهای خود را می گزد [و] می گوید: «ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم.»؛ ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم. او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود.» و شیطان همواره فروگذارنده انسان است. (فرقان، ۲۷-۲۹)

این آیه شریف قرآن به طور عام می‌فرماید که عده‌ای در قالب دوستان هم‌رأی و هم‌هدف در برابر سخن حق ایستادند مهمترین مسأله روانشناختی این است که در فضای دوستی انسان‌ها، باورها و ارزش‌های غلط بیشتر مستحکم می‌شود و آنها احساس پشتگرمی و حمایت کاذبی را در خود حس می‌کنند و بیشتر و بیشتر در مسیر هلاکت خود فرو می‌روند. مفاد روایات هم بر تاثیرپذیری و تاثیر گذاری دوستان بر یکدیگر تاکید فراوان دارد. به علاوه ملائک و معیار شناخت افراد را هم منوط به شناخت شخصیت و تفکر دوستان او می‌داند و نکته ظریف در روابط دوستی این است که به طور ناخواسته فرد رفتارهای اخلاقی متناسب با رفتار دوستان خودش بروز می‌دهد:

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ:..... الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يَخَالِلُ وَقَالَ
صِ احْتَبِرُوا النَّاسَ بِأَخْدَانِهِمْ فَإِنَّمَا يَخَادِنُ الرَّجُلُ مَنْ يَعْجِبُهُ نَحْوَهُ؛

پیامبر خدا ﷺ: آدمی بر آیین دوست خود است، پس هر یک از شما مواظب باشد که با چه کسی دوستی می‌کند. و همچنین فرمود: مردم با دوستانشان شناخته و محک زده می‌شوند زیرا هر فردی با کسی دوستی می‌کند که هم‌نشینی با او موجب جلب توجه او می‌شود. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج. ۸، ص. ۳۲۷)

۳-۵. نقش انگیزش اخلاقی نهادها و سازمان‌های حکومتی

حکومت‌ها در جوامع هم‌فرهنگ ساز هستند و هم برآمده از فرهنگ جامعه می‌باشند. هیچ‌بعدی ندارد که بپذیریم برایند فکری و رفتاری افراد جامعه، در حکومت آن جامعه تبلور و ظهور دارد و از همین روست که تأثیر آن بر انگیزش اخلاقی افراد جامعه غیرقابل انکار و مسلم می‌باشد. گاهی به علت سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت، کشمکش و شکافی بین حکومت و خواسته‌های مردم رخ می‌دهد و موجب رفتارها

وعکس عملهایی از هر دو طرف می شود که به لحاظ روانشناسی اخلاقی قابل مطالعه و بررسی است.

آیات قرآن مهمترین ویژگی برای سلامت یک حکومت را در برپایی عدالت و قسط می داند و بقیه وظایف و مسئولیت های حکومت براساس آن گذاشته می شود.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است.» (حدید، ۲۵)

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا؛ خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید؛ و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد. خدا شنوای بیناست» (نساء، ۵۸)

ما انسانها به عنوان خلیفه خداوند متعال در روی زمین وظیفه داریم که امانات را به اهلس بسپاریم و بنابر سخن بزرگان در تفاسیر، حکومت یکی از این امانات است و معنی ادامه آیه هم بر همین مطلب صحه می گذارد که از اجرای حکم توسط حکومت در بین مردم سخن می گوید. بنابراین تقاضا و انتظار برقراری قسط و عدل از طرف حکومت امری پذیرفته و شناخته شده می باشد و پیامبران هم از آن جهتی که بنای بر برقراری حکومت دارند به این مسأله توجه دارند بنابراین صرفاً حضور پیامبران برای موعظه،

هدایت و ارشاد نیست بلکه برقراری عدالت در امور اجتماعی جامعه هم مورد انتظار است. و مساله مهم دیگر رعایت حقوق افراد است که باید همراه با اخلاق و روش انسان دوستانه‌ای باشد. خداوند در قرآن خطاب به پیامبر خودش این را تکلیف می‌کند و این بدان معنی است که در تمام رده‌های حکومت باید این امر رعایت شود. زیرا رفتارهای حکومت تاثیر در انگیزش اخلاقی افراد جامعه دارد.

در روایات هم بر این مساله تاکید شده است که بد اخلاقی و کج رفتاری حکومت در رعایت عدالت و حفظ حقوق مردم تاثیر بسیار زیادی در رفتارهای ناهنجار و غیر اخلاقی از سوی مردم دارد. و در بیانات حضرت علی علیه السلام به علت شرایط و زمینه‌های حکومت آن حضرت بسیار تکرار شده است و تذکر آن حضرت به فرمانداران و متولیان در امر حکومت شاخص در جوامع روایی می باشد.

نهج البلاغه نامه ۵۳: وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحْسَنُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلْلُ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلْلُ وَيُوتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَاءِ فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَاكُ.....

امام علی علیه السلام: در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر: دل خود را آکنده از مهر و محبت و لطف نسبت به مردم گردان و مبادا برای آنان چون جانور درنده‌ای که خوردنشان را غنیمت دانی؛ زیرا که مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند و یا هم نوع تو هستند. در معرض لغزش و خطا قرار دارند و گاه از روی عمد یا خطا دست به گناه و تجاوز می‌آیند. پس همانگونه که خود دوست داری خداوند نسبت به تو بخشش و گذشت

کند تو نیز نسبت به آنان بخشش و گذشت داشته باش، زیرا تو بالا دست آنها هستی و فرمانروای بر تو بالا دست تو می‌باشد و خداوند بالا دست کسی است که تو را به امارت گماشته است.

مفاد (نامه ۵۳ نهج البلاغه) حاکی از آن است که حاکم اگر خودش اخلاق سیاست را رعایت نکند موجب عدم انگیزش اخلاقی و رعایت آن در میان مردم می‌شود. عمال و مجریان و مدیران حکومت باید رعایت حقوق و اخلاق را در ارتباط با مردم داشته باشند. تا مردم هم با الگو گیری از آنها رعایت کنند. و همانطور که از بیان حضرت استفاده می‌شود حکومت از رأس تا ذیل آن در برابر بی عدالتی و ظلم مسئول هستند و باید پاسخگو باشند. و هیچ مقامی نمی‌تواند عذر خود را توجیه کند گاهی نصیحت و موعظه و.... کارساز نیست باید اقدام عملی صورت گیرد.

۴-۵. نقش انگیزش اخلاقی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

آمار و ارقام و مطالعات اجتماعی و فرهنگی در دوران معاصر، گویای از این است که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تفکر و فرهنگ و اخلاق انسان‌ها سلطه دارند و برای اکثریتی از افراد خط مشی زندگی و اخلاق تعیین می‌کنند و آنها را مطیع چشم و گوش بسته اهداف و آرمان‌ها و پیام‌های خودشان کرده‌اند. در آموزه‌های دینی به طور مستقیم به این موضوع اشاره نشده است اما توجه به محتوی و منشأ صدور اخبار و روایات و شخصیت راوی و خبر دهنده در «علم فقه و رجال» اهمیت بسیاری دارد و متضمن بحث‌های علمی فراوانی می‌باشد. شاید بتوان گفت: واژه‌هایی مانند «خبر»، «ارتباط»، «تبیین»، «تحریف» و از این قبیل مشعر به این موضوع می‌باشند.

در آیه شریفه قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا

فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد،] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.» (حجرات/۶)

از بیان آیه استفاده می‌شود که لازم است ما از شخصیت و چگونگی صادر کننده پیام و منشأ صدور آن آگاهی داشته باشیم تا به سبب آن خبر و پیام دچار اشتباه در تصمیم و قضاوت نشویم

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم پیامبر ﷺ را امر به بیان اخبار و حوادث گذشته، پیامبران پیشین می‌کند. این امر حاکی از آن است که اگر خبر رسانی نباشد و یا درست نباشد امت عبرت درستی نمی‌گیرند و با اخبار انحرافی دیگران دچار اشتباه می‌شوند و لذا تکلیف مستقیم به پیامبر ﷺ می‌شود که منشأ و منبعی مطمئن هستند و خوب می‌دانیم که چه بسا در تاریخ برخی پیامها را تحریف کرده و یا نرسانده‌اند و امت دچار تفرقه و انحراف شده‌اند!؟؟

«وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يَتَّعَبِلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَّعَبِلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان، هنگامی که [هر یک از آن دو،] قربانیی پیش داشتند. پس، از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قابیل] گفت: حتماً تو را خواهم کشت. [هابیل] گفت: خدا فقط از تقوای پیشگان می‌پذیرد.» (مائده، ۲۷)

در آموزه‌های دینی هر مناسکی که لازمه آن وجود جمعی از افراد باشد به عنوان رسانه عمل می‌کند. «نماز جمعه»، «نماز جماعت»، «حج»، و به طور کلی مراسم‌ها و مناسبت‌هایی که به شکل جمعی برگزار می‌شود. پس این امکانات رسانه‌ای برای پیام‌رسانی آموزه‌های

دینی وجود دارد و برای همین است در دین برای حضور در اینگونه جمع‌ها بسیار سفارش و تاکید شده است. در واقع حضور در جماعت رسانه سالم و قوی در دین محسوب می‌شود.

قال علی علیه السلام: فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى [مَعَ] الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّةَ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۳ / ۳۷۲)

امام علی علیه السلام: همانا دست خداوند با جماعت است، از تفرقه بپرهیزید زیرا هر کس جدا شد طعمه شیطان شد همچنانکه گوسفند جدا شده از گله، طعمه گرگ می‌شود.

نهج البلاغه خطبه ۱۴۱: أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَ مِنْ أَخِيهِ وَثِقَةَ دِينٍ وَ سَدَادَ طَرِيقٍ فَلَا يَسْمَعَنَّ فِيهِ أَقْوَابِلَ الرَّجَالِ أَمَا إِنَّهُ قَدْ يَرْمِي الرَّامِي وَ تُحْطِئُ السَّهَامُ وَ يَجِيلُ الْكَلَامُ وَ بَاطِلٌ ذَلِكَ يُبُورُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ وَ شَهِيدٌ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعَ فَسئَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ هَذَا فَجَمَعَ أَصَابِعَهُ وَ وَضَعَهَا بَيْنَ أُذُنِهِ وَ عَيْنِهِ ثُمَّ قَالَ الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ سَمِعْتُ وَ الْحَقُّ أَنْ تَقُولَ رَأَيْتُ؛

امام علی علیه السلام: ای مردم! آن کس که از برادرش، اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را سراغ دارد، باید به گفته مردم در باره او گوش ندهد. آگاه باشید! گاهی تیر انداز، تیر افکند و تیرها به خطا می‌رود، سخن نیز چنین است، در باره کسی چیزی می‌گویند که واقعیت ندارد و گفتار باطل تباه‌شدنی است، و خدا شنوا و گواه است. بدانید که میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. (پرسیدند، معنای آن چیست؟ امام علیه السلام انگشتان خود را میان چشم و گوش گذاشت و فرمود) باطل آن است که بگویی «شنیدم» و حق آن است که بگویی «دیدم».

به واقع می‌توان گفت: حاصل دست آوردهای رسانه‌ها، شنیده‌های ما می‌باشد

و حتی تصاویر را هم می‌توانند ساختگی نشان دهند. پس بنا بر این محصول رسانه به همان میزان که درست به نظر می‌رسد می‌تواند نادرست هم باشد. ولذا تعارضات و تناقضات دستگاه رسانه برخی را دچار پیش‌داوری‌ها و بدبینی‌های می‌کند و در نتیجه رفتارهای نابهنجار و غیر اخلاقی را دامن می‌زند. ولذا مفاد آموزه‌های اخلاقی دین توصیه به بررسی و تأمل بیشتر می‌باشد.



نتیجه‌گیری

پس معلوم شد که عوامل تاثیر گذار بر انگیزش اخلاقی، در آیات و روایات، علاوه بر عوامل درونی، که شامل «علم و آگاهی» از يك طرف و «ایمان و اعتقاد قلبی» از سوی دیگری می باشد. و هم چنین، امیال و غرایز نقش تاثیرگذار و جهت دهنده بر مؤلفه ها و مواد علمی و ایمانی انسان دارند و به طور کلی، شاکله و فعل و انفعال روانی انسان در مباحث اخلاقی دین مبتنی بر کارکرد و نقش انگیزشی «قلب» و «عقل» و «نفس» می باشد. و بررسی انگیزش اخلاقی با این رویکرد را می توان «روانشناسی اخلاق دینی» تعبیر کرد. از دیدگاه روانشناسی اخلاق دینی با توجه به مفاد آیات و روایات در درون انسان دو عامل مهم انگیزشی به نام «قلب» و «عقل» وجود دارد. چکیده و عصاره روحی و روانشناختی انسان به این دو مفهوم برمی گردد هر چند که ترکیب جسم و روح را «نفس» تعبیر می کنند. و از همین روی اصل و کلیت انگیزش درونی انسان به «نفس» نسبت داده می شود. و به عبارتی دیگر فعلیت یافتن انگیزش در رفتار ناشی از نفس انسان است که در چه موقعیت و مرتبه ای باشد. بنابر مفاد آیه قرآن قابلیت و استعداد خیرونیک و شروبدی در آن وجود دارد. اینکه نفس در کدام مسیر قرار گیرد به عوامل و موانع درونی و بیرونی بستگی دارد. و در همین ارتباط به عوامل و موانع بیرونی و محیطی انگیزش اخلاقی هم اشاره شد که از خانواده شروع می شود و تا سطح روابط و مناسبات آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و حکومتی جامعه گسترش می یابد. و همانگونه که از منظر آیات و روایات بررسی شد عوامل بیرونی زمینه و بسترهای مناسبی را برای بروز رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی می تواند فراهم کنند. بنابراین هم درون انسان موجب انگیزش اخلاقی می شود و هم بیرون و محیط

زندگی انسان زمینه انگیزش اخلاقی را فراهم می‌کند. و معلوم شد که کل این فرایند از منظر «روانشناسی اخلاق دینی» با استناد به برخی آیات و روایات قابل مطالعه و بررسی می‌باشد. بر همین اساس با بررسی در آموزه‌های دینی عوامل و موانع درونی و بیرونی انگیزش اخلاقی اجمالاً شناخته شد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه - صبحی الصالح، نشر دارالهجره، قم.
۳. ادواردز پل و ام. بورچرت؛ ۱۳۹۲؛ دانشنامه فلسفه اخلاق، ترجمه و تدوین انشاءالله رحمتی، تهران، نشر سوفیا.
۴. اسلامی محمدتقی و (دیگران)؛ اخلاق کاربردی، چالش ها و پژوهش های نوین در اخلاق عملی؛ قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۸۶.
۵. خدایاری فرد محمد، مسعود آذربایجانی، روح الله شهابی، درآمدی بر مبانی روانشناسی اسلامی، تهران، دانشگاه تهران موسسه انتشارات، ۱۴۰۰
۶. دهقان، رحیم (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی ابعاد انگیزش اخلاقی در اندیشه علامه طباطبایی و فینیس، مجله اخلاق و حیانی، سال پنجم، شماره (۱۲).
۷. سیدقریشی ماریه؛ اخلاق عقلی و فلسفی (اخلاق ارسطویی)؛ قم، دفتر نشر معارف؛ ۱۳۹۴.
۸. شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۷)، روان شناسی در قرآن و حدیث (۲ جلد)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. علیا مسعود؛ ۱۳۹۱؛ فرهنگ توصیفی فلسفه اخلاق، (تالیف و ترجمه)، تهران؛ موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و انتشارات هرمس، تهران.
۱۰. علیزاده، مهدی (۱۳۹۴) تبیین ضعف اخلاقی در دو رویکرد افلاطونی و ارسطویی با تأکید بر آموزه های اخلاقی قرآن کریم؛ (رساله دکتری)، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم.
۱۱. کریمی، محمدرضا و محمد کاویانی و حسن بوسلیکی، (۱۳۹۹) عوامل شناختی انگیزش اخلاقی قرآن کریم مبتنی بر منبع انگیزش نفی ناهماهنگ شناختی؛ مجله روانشناسی ودین، شماره (۵۰).
۱۲. کلینی، ۱۳۶۵، الکافی، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية تهران.
۱۳. گورمن تام، ۱۳۸۷؛ انگیزش، برانگیختن قوه ابتکار، ترغیب به عمل، دستیابی به هدف؛ ترجمه سیناقربانلو، تهران نشر مبلغان.

۱۴. متقی، علی بن حسام‌الدین، تصحیح و تنظیم دمیاطی، محمود عمر. ۱۴۱۹-۱۹۹۸. *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*. ۱۶ ج. بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه.
۱۵. مجلسی، محمدباقر؛ ۱۴۰۴، *بحار الأنوار*، ۱۱۰ جلد، مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان
۱۶. محدث نوری، ۱۴۰۸، *مستدرک الوسائل*، ۱۸ جلد، قم، مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام.
۱۷. مظاهری، محمدعلی، عباس پسندیده با همکاری منصوره سادات صادقی، ۱۳۸۹، *مثلث ایمان* (الگوی رابطه انسان با خدا)؛ قم؛ نشر دارالحديث.
۱۸. موسوی اصل، سیدمهدی و دیگران (۱۳۹۵)، *روان‌شناسی اخلاق*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. وجدانی، فاطمه، (۱۳۹۵)، *تدوین الگوی منابع انگیزش اخلاقی در قرآن* (بر اساس کتاب تفسیرالمیزان)؛ *مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، شماره (۷).
۲۰. وندان بوس، گری آر؛ ۱۳۹۱؛ *فرهنگ توصیفی انجمن روانشناسی آمریکا (APA)*؛ هماهنگ کننده طرح حسن احدی؛ مشاور طرح فرهاد جمهری؛ گروه مترجمین، تهران، نشر ارس.

